

شرح التَّسْوِيَةِ بِإِثْنِ الْإِفَادَةِ وَالْقَبُولِ

بِسْمِ اللَّهِ
دَرْوِشِ دَرَوِشِي

مُحَمَّدُ اللَّهِ تَبَارَكَ

تَصْحِيحٌ وَتَعْلِيقٌ: مَلِيحَةُ مُعَلِّمٍ



انتشارات مولی

بیرشتنامه : مایحه معلم

عنوان قراردادی : التسویه بین الافاده والقبول شرح

عنوان و نام پدیدآور : شرح التسویه بین الافاده والقبول / محب الله الله آبادی، تعلیقات و تصحیح مایحه معلم

مشخصات نشر : تهران: مولی، ۱۳۹۵

مشخصات ظاهری : شست و شش: ۶۲ ص، مصور: ۵/۱۴ × ۵/۲۱ سم

شابک: 978-600-339-049-2

وضعیت فهرست نویسی: فبا

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس

موضوع: الله آبادی، محب الله- ۹۹۶ - ۱۰۵۸ - ا. - التسویه بین الافاده والقبول -- نقد و تفسیر

موضوع: وحدت وجود (فلسفه اسلامی)

موضوع: (Panthemism Islamic philosophy)

موضوع: فلسفه اسلامی -- متون قدیمی تا قرن ۱۴

موضوع: Islamic philosophy -- Early works to 20th century

موضوع: عرفان -- متون قدیمی تا قرن ۱۴

موضوع: Mysticism -- Early works to 20th century

شناسه افزوده: الله آبادی، محب الله- ۹۹۶ - ۱۰۵۸ - ا. - التسویه بین الافاده والقبول شرح

رده بندی کنگره: ۱۳۹۵ ۲۱۸ ۰۲۱۸-۳۰۷۳/BBR55

رده بندی دیویی: ۱۸۹/۱

شماره کتابشناسی ملی: ۴۴۰۱۱۱۹



تهران: خیابان انقلاب- چهارراه ابوریحان- شماره ۱۱۵۸ - سن: ۶۶۳۰۹۲۱ - نمابر: ۶۶۴۰۰۰۷۹

www.molapub.com • molapub@yahoo.com • Instagram: molapub

شرح التسویه بین الافاده والقبول • محب الله الله آبادی

تصحیح و تعلیق: مایحه معلم، عضو هیات علمی مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی (مست)

چاپ اول: ۱۳۹۵ = ۱۴۳۸ • ۷۲۰ نسخه • ۲۶۱/۱
۹۵

شابک: 978-600-339-049-2 ۹۷۸-۶۰۰-۳۳۹-۰۴۹-۲

خوشنویسی: استاد حمید عجمی

حروف نگاری: دریاچه کتاب • لیتوگرافی و چاپ: ایران مصور • صحافی: نوری

کلیه حقوق مربوط به این اثر محفوظ و متعلق به انتشارات مولی است



انتشارات مولی
۲۰۰۰۰۰ ریال

فهرست مطالب

مقدمه و جمع	هفت
سلسله حاشیه در هند	نه
شرح احوال شیخ محب الله الله آبادی	پانزده
آثار شیخ محب الله الله آبادی	هجده
روش تصحیح متن	بیست و هفت
وحدت وجود از دیدگاه شیخ محب الله الله آبادی بنا بر رساله التسویه	سی و دو
حقیقت یکتایی وجود و سریانی آن در جمیع صور و اشیا	سی و سه
علم شهودی و علم حصولی	سی و هفت
اهتمام عرفا به شرع و عرف	چهل
نسبت واجب و ممکن بایکدیگر	چهل و چهار
خلق مدام	چهل و نه
عینیت وجود واجب و ذات وی	چهل و نه
نسبت روح محمدی و جبرئیل	پنجاه و دو
تسویه مفید وجود و قابل وجود	پنجاه و چهار
تصویر نسخه ها	شصت
متن کتاب التسویه	۵۲-۱
فهارس	۵۳

مقدمه مصحح

کتاب حاضر تلاش است که در دوران تحصیل در دانشگاه همدرد دهلوی، به موازات تکمیل رساله دکترا، بر روی میراث به جا مانده زبان فارسی در آن دیار به عمل آمد. سرزمین هند میراثی است که از زبان و ادب فارسی را در خود نهفته دارد؛ میراثی که در گوشه و کنار این سرزمین در ادب دیه‌ها و یادبودها و رساله‌ها و کتاب‌ها در آغوش آن جای گرفته است. میراث مکتوبی است که در موضوعات مختلفی از فن و هنر تا طب و ریاضی، حکمت و فلسفه و شعر و عرفان - بر بردارد و صد افسوس که آن همه، امروز در آن دیار مهجور است و غریب و در زیر انبوه بارکت بخانه‌ها به دست فراموشی و گاه نابودی سپرده شده است.

آشنایی با رساله التسویه بین الافادة والقبول از شیخ محمد، اللّٰه اللّٰه آبادی (۱۰۵۷ ه.ق.)، که در آن دیار اله آبادی می‌خوانندش، در آن مجله، بیع بررسی و تحقیق در احوال و آثار و افکار این عارف فقیه دست داد. انتخاب آن برای تصحیح و تدوین آن، دو دهه این رساله کوچک لب و اساس افکار وحدت وجودی شیخ را در برداشت و در حکم آینه تمام‌نمای آراء او در این زمینه به شمار می‌آید. دلیل دیگر این انتخاب کم حجم بودن این اثر در جنب دیگر آثار شیخ بود، که همه پر حجم بودند و قطور، و در آن فرصت کوتاه مناسب

می نمود و فرصتی مغتنم در اختیار می نهاد تا حداقل یکی از آثار وی را بتوان به منصفه ظهور و معرفی رساند.

با وجود تصحیح متن براساس نسخه های متعدد در آنجا، تا مدت ها پس از بازگشت صرافت چاپ و عرضه این اثر در سر نبود؛ مضافاً آنکه برای بازنگری، نسخه های مورد استفاده در آنجا در دسترس نبود. اما به پیشنهاد برخی از دوستان به آنچه بود اکتفا، و به عنایت متوکلان انتشارات مولی فرصت این امر فراهم شد تا همان صورت فراهم آمده و کار به ثمر رسیده. حلیه چاپ آراسته شود، شاید علاقه مندان و دوستان را به کار آید و نیز فتح بابی سود برای توسعه بیشتر به تصحیح آثاری که در کتابخانه های آن سامان چشم انتظار همزبانان و مشتاقان ادب و عرفان اند.

شخصیت شیخ محب الله به چند جهت جای آن دارد که مورد تفحص و بررسی قرار گیرد، هم به دلیل دیدگاه خردگرایانه و ارادت بی چون و چرای وی به محیی الدین عربی و هم به دلیل بعد سیاسی و جایگاه خاصی که در عهد خود از آن برخوردار بوده است. زمان حیات این عارف هندی مقارن است با سرگورانیان هند و دوره سلطنت شاهجهان (م. ۱۰۶۸ ه.ق.)، نوه اکبر شاه (م. ۱۰۱۴ ه.ق.) و نوروز بزرگ هند، که اوج شکوفایی و دوره طلایی این سلسله محسوب می شود. روایت نزدیک شیخ بآداب اشکوه (م. ۱۰۶۹ ه.ق.) شاهزاده قادری مسلک، و ارادت وی به ایشان باب نهج است که در نامه ای که داراشکوه به وی می نویسد، پذیرش فرمانداری الله آباد را به خاطر این شیخ در آن دیار قید می کند: «جامع علوم ظاهری و باطن حاوی مراتب صوری و معنوی، محب الله را از محب فقرا دعا و سلام برسد. از گرفتن صوبه الله آباد بیشتر خوشحالی از آن بود سربلین ایشان است. هر کاری و مهمی که در آن رعایت مومنان باشد، به باقی بیگ، اثر می نموده باشند و اخلاص اینجانب را به فقرا به درجه اعلی شناسند.» (مکتوبات)

شناخت شیخ محب الله و بررسی آثار وی، بخصوص مکتوبات او، بازنمایی است از جریان های فکری و اجتماعی که در عصر وی در آن دیار حاکم بود. دعوای دو گروه «شهودیه» و «وجودیه» در آن زمان و حضور شخصیت های برجسته ای چون عارف مشهور

میان میر (۹۵۷-۱۰۵۴ ه.ق.) که داراشکوه سکنه الاولیاء خود را به او تقدیم کرد؛ شیخ عبدالحق محدث دهلوی (۹۵۸-۱۰۵۲ ه.ق.)؛ شیخ احمد سرهندی (۹۷۱-۱۰۳۴ ه.ق.) در رأس معتقدان شهودی، شیخ عبدالرشید جونپوری (۱۰۰۰-۱۰۸۳ ه.ق.)، ملا محمود جونپوری (۹۷۳-۱۰۲۹ ه.ق.) سرسخت ترین مخالف شیخ محب الله، و سرمد کاشانی (م. ۱۰۷۲ ه.ق.) که در آنجا به سرمد شهید شهرت دارد، از ویژگی های بارز این دوره زمانی است. هر چند برخی از این اشخاص در دوره حیات شیخ حضور نداشتند، اما نزدیکی دوره آنان با دوره حیات شیخ و نیز تداوم جریان فکری در زمان آنها توجه ویژه ای را می طلبد. آثار محب الله عمدتاً بازخوانی و بازنمایی افکار وحدت وجودی و تاراش کبر محیی الدین ابن عربی است و هم از این روست که در آن دیار وی را شیخ کبیر می نامند.

به تناسب تعلل شیخ محدث به به طریقه چشتیه، به تاریخ این طریقه در هند و سپس به احوال و آثار شیخ اشاراتی گذر می شود.

سلسله چشتیه در هند

سلسله چشتیه اولین سلسله حائز اهمیتی است که در هند مستقر شد و در تاریخ دینی و فرهنگی این دیار تا قرن سیزدهم نقشی ویژه داشت. «است» بلیق کتاب تاریخ مشایخ چشت نام دو ناحیه است؛ نخست ناحیه ای در خراسان و دیگری منطقه ای در هندوستان بین ایالت اوش و مولتان. سلسله چشتیه را مرتبط با چشت خراسان و خواجه ابواسحاق شامی (م. ۳۲۹ ه.ق.) می دانند که پیش از همه به این عنوان شناخته شد. آمدن سلسله چشت به وی از آسیای صغیر هجرت نمود و در چشت خراسان رحل اقامت افکند و بدین عنوان نام بردار شد.^۱

در روایتی دیگر آورده اند که چون خواجه ابواسحاق شامی به خانقاه خواجه ممشاد علی دینوری (م. ۲۹۸ ه.ق.) در زنی مریدی درآمد، دینوری پس از شنیدن نام وی او را گفت که از این پس تو چشتی نامیده خواهی شد و مردم چشت از تو کسب هدایت کنند و هر کس

دیگر که در این سلسله درآید، نیز چشتی نامیده شود.^۱

ابواسحاق مرید و سپس خلیفه دینوری گردید و احتمالاً پیش از سال ۲۶۰ ه.ق. به چشت وارد شد، اما پس از آن به شام بازگشت و در سال ۳۲۹ ه.ق. در عکا درگذشت.^۲
پس از خواجه اسحاق چهارتن که چهار رکن سلسله چشتیه به شمار می‌روند^۳ و ارثان روحانی او شدند که عبارتند از:

۱. خواجه ابواحمد (م. ۳۵۵ ه.ق.) که جانشین ابواسحاق شد.
۲. خواجه ابومحمد (م. ۴۱۰ ه.ق.) که پسر و جانشین ابواحمد بود.
۳. خواجه ابویوسف (م. ۴۵۹ ه.ق.) جانشین ابواحمد.
۴. خواجه ارمود (م. ۵۲۷ ه.ق.) که پسر و جانشین ابویوسف بود.

خواجه معین الدین چشتی از سلسله خواجهگان چشت جای دارد و معرفی این سلسله در سرزمین هند به او باز می‌گردد گفته‌اند پیش از وی یکی از صوفیان چشتی به نام سلطان شیخ سرور در هند حضور یافت، اما از آن حضور وی کوتاهتر از آن بود که بتوان او را بانی این سلسله در آنجا دانست.^۴

در خصوص خواجه معین الدین چشتی اطلاعات موثقی در دست نیست؛ حتی تاریخ و درگذشت وی نیز معشوش است. در دو اثر بزرگ چشتی، «فتاوی الفواد و خیر المجالس» به او هیچ اشاره‌ای نشده است. سیر العارفین، که سه قرن پس از وی در طایفه سهروردیه به نگارش درآمد، تنها منبعی است که در مورد وی اطلاعاتی در اختیار می‌گذارد.^۵

خواجه معین الدین چشتی: خواجه معین الدین حسن، پسر سید غوث، پسر حسین، به سال ۵۳۶ ه.ق. در سنجر، شهری در سیستان زاده شد. نسب وی از طرف پدری به امام حسن علیه السلام و از سوی پدر به امام حسین علیه السلام می‌رسد.^۵ در عنفوان جوانی شاهد به

۱. میدالاولیاء، ص ۴۹.

2. Islamic mysticism, sufism, p.2.

3. sufism, its sairts & shrines, p. 175-176.

4. The Early chishti sufis of India, p.2.

۵. بحر زخار، ص ۲۵۶.

تاراج رفتن سرزمین مادری به دست سواران تاتار بود و این امر تأثیری عمیق در روح و روان وی به جا نهاد. بعدها ملاقات با یکی از مجذوبان الهی به نام شیخ ابراهیم قندوزی بر عمق این اثر افزود و موجب بروز احوال خاص در او گردید و او را به جستجوی مرشدی معنوی برانگیخت.^۱ چند سالی در سمرقند به تکمیل تحصیلات دینی پرداخت و سپس برای تلمذ در محضر حسام‌الدین بخاری عازم سمرقند شد. در آخر به حران نیشابور و در خدمت خواجه عثمان هارونی (م. ۶۱۸ ه.ق) درآمد. پس از کسب مقامات روحانی در محضر وی به روان خلیفه شیخ و به اشاره او عازم هند شد.^۲

به سال ۵۶۰ ه.ق. در اجمیر هند ساکن شد و در ۶۳۳ ه.ق. در آن سامان درگذشت. مقبره اش در آن دیار یار تگاه محبان و عاشقان از هر مذهب و تبار است.^۳

خواجہ قطب الدین بختیار کاکی میراث‌دار معنوی و خلیفه و جانشین روحانی خواجه معین‌الدین چشتی است. وی در سال ۵۸۱ ه.ق. در فرغانه از ایالت اوش (در ازبکستان فعلی) به دکن آمد.^۴ تصوف از چند تن خرقه در یافت کرد. در بغداد به محضر شهاب‌الدین سهروردی و در القادر راه یافت. در همین شهر در مسجد ابواللیث به ملاقات معین‌الدین چشتی نائل و مستقر شد. با مستقر شدن خواجه در اجمیر او نیز بغداد را به قصد هند ترک کرد. در مسیر خود به سوی اجمیر مقابر صوفیه و نیز مشایخ آنان چون بهاء‌الدین زکریا مولنانی (م. ۶۶۱ ه.ق.)، از مشایخ طریق سهروردیه راز یارت نمود. چون به دهلی وارد شد از طرف خواجه معین‌الدین بیابان و خلیفگی شیخ و سکونت در آنجا مأمور شد.^۵

خواجہ قطب‌الدین به دو عنوان بختیار و کاکی شهرت دارد. عنوان نخست را پیر و مرشد وی، معین‌الدین به او اطلاق کرد و عنوان دیگر را گفته‌اند چون در سنار حوض شمسیه در دهلی برای برآوردن خواهش دل برخی از احباب از آن حوض نان کاک به آنان تقدیم داشت، به کاکی شهرت یافت. وی در ۶۰۲ ه.ق. در دهلی درگذشت و آرامگاهش در دهلی در

۳. همان، ص ۲۳-۲۵.

۲. بحر زخار، ص ۴۴۴-۴۴۳.

۱. اکبرنامه، ص ۲۳۸.

4. Muslim Revivalist movement in northern India, ... p. 16-17.

۵. سیدالاولیاء، ص ۵۸.

محلّه مهرولی، نزدیک قطب منار، جای دارد.^۱

بابا فریدالدین گنج شکر: فریدالدین مسمود گنج شکر که بیشتر به عنوان بابا فرید شهرت دارد، خلیفه و جانشین خواجه بختیار کاکی است. آورده اند که از خاندانی شریف و اصیل از کابل بود که در حمله چنگیز به آن دیار، جدش به همراه اهل و عیال به پنجاب هجرت نمودند و بعدها فریدالدین در آنجا زاده شد.^۲

در هفده سالگی به مریدی خواجه بختیار کاکی درآمد. پس از به پایان رسیدن تلمذ در نزد بهاءالدین زکریا مولتانی، به دنبال خواجه قطب الدین عازم دهلی شد. اما از آنجا که بیشتر خاشاک و غبار خلوت و عزلت بود، با اجازه مرشد خود به هانسی و سپس به اجود یار رفت و شانزده سال نیز در آنجا اقامت نمود. در آنجا به یاری مولتان ساکن شد. در سنین بسیار بالا از دواج کرد. یکی از دختران وی با علی اکبر کالیار ازدواج کرد.^۳

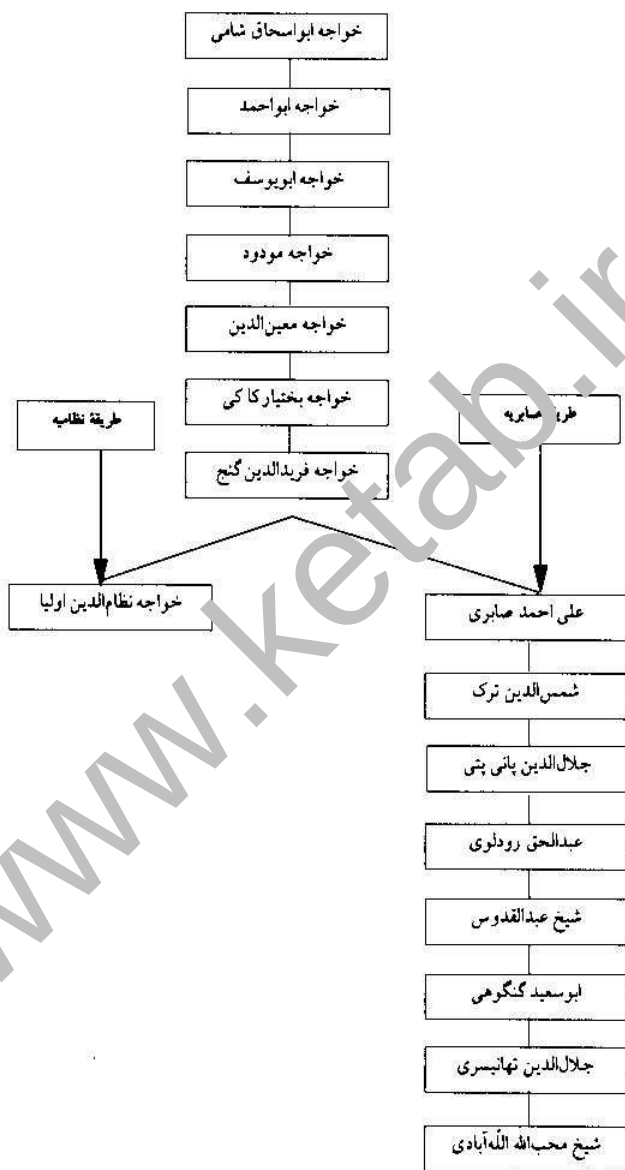
پس از بابا فرید (۱۸۰ ه. ق.) طریقه چشتیه به دو شاخه منقسم شد؛ «شاخه نظامیه» که به خواجه نظام الدین اولیا رسید و «شاخه صابریه» که به علاء الدین علی احمد صابری کالیاری برمی گردد و شیخ صاحب الدین را آید از این شاخه است و به تناسب به تاریخ مختصر این طریقه اشاره می شود.

طریقه صابریه چشتیه: مخدوم علاء الدین علی احمد صابری از پیران کالیار است که در سال ۵۴۹ ه. ق. در هرات به دنیا آمد. در هفت سالگی پدرش دارفانی را وداع کرد و مادرش عهده دار سرپرستی او شد و تربیت او را به برادرش، بابا فرید سپرد. احمد صابری در دامن دایی خود، فریدالدین گنج شکر، رشد و تربیت یافت. در نوجوانی بابا فرید او را به سرپرستی لنگرخانه (آشپزخانه) خانقاه خود برگماشت. آورده اند که چون مادرش دیدار وی آمد و او را زار و نزار یافت؛ از برادر خود به دلیل غفلت از احوال وی کلامیه نمود. بابا فرید با استفسار از وی دریافت که با وجود خدمت در لنگرخانه، به دلیل عدم تصریح به اجازت صرف غذا از طرف وی در آنجا، از خوردن غذا امساک ورزیده است. بابا فرید که از

صبر و تحمل وی به شگفت آمده بود، او را به عنوان «صابر» ملقب نمود و پس از وی این طریقه به «صابریه» مشهور شد.

پس از مدتی بابا فرید، علی احمد را به خلافت خود منتصب و به کالیار اعزام نمود. وی تا پایان عمر (۶۹۰ ه. ق.) در این ناحیه مقیم بود و مرید و ملازم دائمی اش، شمس الدین ترک (م. ۷۱۸ ه. ق.)، جانشین وی گردید.^۱ در احوال وی آورده اند که بسیار پرجذبه بود تا آنجا که بیشتر مریدان جرأت و جسارت نزدیک شدن و هم صحبتی با او را در خود نمی دیدند. خصوصیات جلالی او را نقطه مقابل خصوصیات جمالی نظام الدین اولیا، سلسله شاخه دیگر چشتیه می دانند. این دو شیخ را مظهر «وجه جلالی» و «جمالی» تلقی می کنند، در حالی که شیخ نظام الدین اولیا در دوران حیات و پس از آن مقبره و آرامگاهش پذیرای هزاران بازدید کننده است؛ احمد صابری کالیاری عمدتاً در تنهایی و عزلت بوده است. اهل تصوف او را از اهل صحبت و جلوت و دیگری را اهل خلوت دانسته اند.

شمس الدین ترک جانشین و خلیفه علی احمد صابری گردید؛ پس از وی نیز شیخ جلال الدین پانی پتی (م. ۷۲۳ ه. ق.) که نماینده اندیشه وحدت وجودی در هند است، جانشین او شد. شیخ عبدالحق رودلی (م. ۸۳۶ ه. ق.) پس از وی و شیخ عبدالقدوس گنگوهی (م. ۹۴۴ ه. ق.) پس از او و شیخ جلال الدین تهانیسری (م. ۱۰۲۴ ه. ق.) و آنگاه شیخ ابوسعید گنگوهی (م. ۱۰۵۸ ه. ق.) به ترتیب دیگر مشایخ این سلسله اند و سپس شیخ محب الله الله آبادی است. سلسله خواجگان پانی پتی را می توان چنین ترسیم کرد:



شرح احوال شیخ محب‌الله‌آبادی

از جمله شارحان و به‌ویژه مروجان نامی مذهب و مسلک شیخ اکبر، محیی‌الدین ابن عربی، در هندوستان شیخ محب‌الله‌آبادی است. نام کامل وی محب‌الله بن شیخ مبارز بن شیخ پیر، از اخلاف شیخ فریدالدین گنج‌شکر است که نسبت وی به خلیفه ثانی، عمر بن خطاب می‌رسد. تاریخ تولد وی را دوم صفر ۹۹۵ هجری قمری برابر با ۲۳ دسامبر ۱۵۸۷ میلادی در قریه صدرپور از توابع خیرآباد از منضمات آود (لکهنو فعلی) آورده‌اند.^۱ هـ چند آغاز حیات وی معاصر با دوران جلال‌الدین محمد، اکبر پادشاه بزرگ گورکانی است. بخش عمده زندگی وی مقارن با دوره جهانگیر و پس از وی شاهجهان بوده است؛ به‌ویژه توبه خاں را شکوه به ایشان و مکاتبات وی با شیخ حائز اهمیت است. جذاماری شیخ نیز قنبر اسماعیل مرگامی است که در عهد خویش به توبه خود از معرفت باطنی و علوم عقلی و نقلی بهره‌بردار بود.^۲ شیخ محب‌الله را عمدتاً به لقب شیخ کبیر و شیخ عجم یاد کرده‌اند، چنانکه مؤلف بحر فرخار در ذکر وی آورده است که «تحقیقات و تدقیقاتش در علم تصوف به درجه اجتهاد رسیده، آنکه می‌رسد که شیخ محیی‌الدین ابن عربی را شیخ اکبر و وی را شیخ کبیر گویند.»^۳

آغاز تحصیلات شیخ محب‌الله در صدرپور و در محضر والد ایشان و دیگر علمای آن سامان بود. سپس برای کسب علوم و معارف بیشتر در سال ۱۰۱۴ هـ. ق. به سوی لاهور، که آن هنگام مرکز علم و ادب و کانون فنون و آداب بود، روانه گردید. در لاهور در حلقه درس ملا عبدالسلام لاهوری، که خود از شاگردان میرفتح‌الله شیرازی در لاهور بود، حضور یافت. از جمله همدردان وی در آن زمان می‌توان به شخصیت‌های برجسته آن زمان چون میان میر لاهوری، محمد میر سیوستانی و سعدالله خان تمیمی اشاره کرد که اخیراً نشر بعدها در برابر شاهجهان به مقام وزارت منصوب گردید و حکایات و روایات بسیاری در خصوص

۱. سوانح عمری الشیخ الکبیر محب‌الله‌آبادی، ص ۱۲؛ ذکرا المعارف، ص ۹-۱۰.

۲. سوانح عمری، ص ۱۲؛ تاریخ مشایخ‌الله‌آباد، ص ۵۶.

۳. بحر فرخار، نسخه خطی ۹۵۷.

روابط نزدیک و صمیمی وی و شیخ محب‌الله نقل کرده‌اند.^۱

شیخ در کتاب انفاس الخواص خویش شرح مختصری از حیات و حوادث روزگار خود آورده و اشاره کرده است که در ابتدای جوانی نزد فرزانه‌ای که از علوم باطنی بهره داشت، قرائت شرح تلخیص می‌نمود و او شیخ را روش حبس دم آموخته و به فراگیری علم تصوف توصیه فرموده بود. در ابتدای تحصیل به دلیل غلبه شوق تحصیل علوم ظاهر، شیخ چندان به علم تصوف واقعی نمی‌نهاد. چون در طلب علم راهی لاهور گردید، در آن سامان در منزلی سکونت کرد که در مجاورت آن دیوانه‌ای مسجون به سر می‌برد. شبی دیوانه در گذشت و همسری چنان به ناله و فغان‌بانگ برآورد که شیخ از آن احوال منقلب گردید و اندیشه مبدأ و معاد و بشر و منگبوی شد. در نهایت خود را از درک این معما بدان پایه عاجز و ناتوان یافت. زبان‌ش را می‌چرخانید و می‌گفت: «قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا - ۳۲/ بقره». شیخ گوید: «برای حل این معضل به شرح قرآن بیضاوی رو نموده و به قرائت آن مشغول گردید، اما هوا جسیس و ساکن و سرد و آزاره جدانشدنی می‌نمودند، تا آنکه به مدد برخی الهامات و واردات و رؤیت مقام‌های درویشان تا حدی از حیرت و پریشانی رها گردید.^۲

بنابر قول شیخ در انفاس الخواص، پس از اتمام تحصیلات ظاهری در لاهور، وی روانه وطن گردید و چندی بعد به دارالخلافة احمدآباد داخل شد. در آنجا بار دیگر پس از رؤیت مقام نبوی در عالم رؤیا و احساس عدم رضایت ایشان از این عمل، احمدآباد را ترک کرد و دوباره در وطن سکنی گزید؛ به تدریس علوم مشغول شد و پس از آن راهی دهلی گردید. در خصوص اقبال شیخ به عالم عرفان و تصوف، چون سایر بزرگان، حقیقت و حقیقت‌اندازانه بایکدیگر درآمیخته و حکایات و روایات نقل کرده‌اند: از جمله آنکه جامه صدارت را که در عهد شاهجهان به دلیل لیاقت و کاردانی بر وی پوشانده بودند، به اشاره غیبی از جامه حضرت خواجه بختیار کاکی به کسوت فقر و درویشی بدل نمود.^۳ اما باز بنا بر گزارش خود ایشان در

۱. ذکرا المعارف، ص ۱۶، سوانح عمری ۱۳، ۱.

۲. انفاس الخواص برگ ۳-۵.

۳. سوانح عمری شیخ محب‌الله، ص ۱۵-۱۷؛ ذکرا المعارف، ص ۲۷؛ بحر زخار، ص ۱۳۸، تاریخ مشایخ

الله‌آباد ص ۵۸؛ کواکب ص ۵۷-۵۹.

ذکر احوال شخصیه که در اثر خویش آورده است، پس از خواندن و شنیدن احوال مشایخ ماضیه و حکایات احوال آن بزرگان، که موجب شوق دیدار اولیا کرام در ایشان شده بود، مخبری وی را از احوال شیخ ابوسعید گنگوهی مطلع می‌سازد «... اخبر مخبر باحوال شیخی و مرشدی القاطع عما سوی الحق الشیخ ابی سعید بن نور بن علی بن الشیخ العارف عبدالقدوس الحنفی و عرفانه»^۱ پس آهنگ دیدار وی نمود و به طواف وی احرام بست «فاحرمت بطوافه و وصلت بحضرته و هویدرس لمعات العراقی» پس از آن شیخ دست اراک و بیعت به جانب ایشان دراز نمود و در محضر شیخ ابوسعید گنگوهی (۱۰۴۹ هـ / ۱۶۳۹ م) که خود نواده شیخ جلال تھانگیری و خواهرزاده شیخ عبدالقدوس گنگوهی و مشایخ طریقه صابریه چشتیه است - به طی سلوک عرفانی و کسب مقامات روحانی مشغول گشت و در مدتی کوتاه، مراحل سیر منازل و مقامات را پشت سر نهاد و به دریافت خرقه - بلاف - نائل شد، تا آنجا که این امر حسد سایر مریدان را برانگیخت و به شیخ ابوسعید معترض گردیدند که چرا وی را بدین سرعت نائل به چنین درجاتی گردانده است. آمده است که شیخ در حرّ وی، فرمود که مقام و استعداد وی (محب الله) بدان پایه است که گویی در یک دست چراغ و در دست دیگر آتش حمل می‌کند و تنها منتظر شرایط مناسب برای برافروختن چراغ است.^۲ پس از دریافت خرقه خلافت، به موجب اجازت شیخ خویش به جانب صدر پور روانه گردید و نخستین اثر خود، توحمة الکتاب، را در آنجا تألیف کرد. پس از چندی به اشاره پیر خود جلای وطن کرد و قصد الله آباد نمود. پیش از ورود به الله آباد به زیارت برخی مقابر مشایخ عظام مبادرت نمود از جمله در دولی به زیارت شیخ احمد عبدالحق رودلوی مشرف شد و در آنجا با شیخ عبدالرحمن بن علی، صاحب مرآة الاسرار، ملاقات نمود و چند روزی میهمان وی بود. همچنین در مانک، زیارت شیخ حسام الدین مانکپوری نائل شد. پس از ورود به الله آباد در آنجا سکونت گزید و به امر تدریس و تربیت مریدان مشغول شد. به دلیل اقامت طولانی در این شهر که تا پایان عمر شیخ، نهم رجب ۱۰۵۷ هجری قمری برابر با ۱۶۳۸ میلادی، به درازا کشید به الله آبادی

مشهور گردید. مریدان و اخلاف و اولاد وی نیز در این شهر رحل اقامت افکندند. خانقاه وی، که عمدتاً در هند از آن به دایره یاد می شود، در حال حاضر همچنان در محله بهادر گنج الله آباد پابرجاست و شاه سیف الله از اخلاف شیخ، که دهمین نسل وی محسوب می شود، به عنوان سجاده نشین در این مکان اقامت دارد. اما مزار شیخ در الله آباد در موضع دیگری به نام قریشی پور در محله کتب گنج می باشد.

آثار شیخ محب الله الله آبادی

شیخ محب الله الله آبادی را می توان در زمره مؤلفان پراثر برشمرد. ۲۵ اثر منسوب به وی، اگرچه به تعداد کم است، اما از نظر حجم و اندازه عمدتاً بسیار حجیم است. مخطوطات وی به زبان فارسی، عربی در کتابخانه های هند و انگلیس و ایران و پاکستان موجود است. وجود یک یا اندک اثر وی در بسیاری از کتابخانه های هند نشان دهنده اهمیت آثار اوست. عمدتاً مکرراً اثر وی بحث وحدت وجود است.

تعداد آثار وی در تذکره های مختلف تاریخی، تفاوت است؛ در کتاب سوانح عمری شیخ محب الله به ۱۸ اثر اشاره شده، در سوانح دیگر ۲۲ اثر و در ذکر المعارف ۲۳ اثر آمده است. همچنین در سایر منابع و فهرس نسخ خطی نیز مولاً به ۱۸ تا ۲۳ اثر اشاره شده است که به اجمال عبارتند از:

- ۱- المغالطات، ۲- تجلیه الفصوص، ۳- شرح فصوص فارسی، ۴- شرح فصوص فارسی، ۵- عبادۃ الخواص، ۶- مناظر اخص الخواص، ۷- انفس الخواص، ۸- امالة القلوب، ۹- عقاید الخواص، ۱۰- غایة الغایات، ۱۱- ترجمۃ الکتب، ۱۲- حاشیة الاربعة من المراتب الاربعه، ۱۳- رساله سه رکنی یا اوراد محبتی، ۱۴- رساله وجود حق، ۱۵- مراتب الوجود، ۱۶- رساله سیر الهی، ۱۷- رساله اعانة الاخوان، ۱۸- رساله التسویه بین الافادة والقبول، ۱۹- شرح رساله تسویه، ۲۰- رساله مقدمة المعارف مشهور به هفت احکام، ۲۱- غایة الغایات، ۲۲- رساله التوحید، ۲۳- مجموعه مکاتیب.